

تبیین نقش ویژگی‌های فردی مؤثر بر اشتغال دانش‌آموختگان دختر آموزش عالی

(مطالعه‌ی موردی: دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین - اهواز)

بهمن خسروی پور*، محمدرضا سلیمانپور**

چکیده: مطالعه‌ی حاضر به منظور تبیین نقش ویژگی‌های فردی مؤثر بر اشتغال دانش‌آموختگان دختر دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین انجام می‌گیرد. این تحقیق از نوع کاربردی است و با استفاده از روش علی-ارتباطی صورت می‌پذیرد. با توجه به هدف تحقیق، متغیرهای مستقل آن ویژگی‌های فردی دانش‌آموختگان است که در این‌جا در دو گروه ویژگی‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مطرح می‌شوند و متغیر وابسته نیز اشتغال دانش‌آموختگان است. در این مطالعه از پرسش‌نامه به‌عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده شد. پایایی پرسش‌نامه از طریق ضریب کرونباخ (آلفا ۰/۸۳٪) محاسبه گردید. جامعه‌ی آماری؛ کلیه‌ی دانش‌آموختگان دختر دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین سال‌های ۸۴ تا ۸۷ می‌باشند که از بین آن‌ها ۱۴۰ نفر به‌عنوان نمونه‌ی آماری از طریق نمونه‌گیری طبقاتی متناسب انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل اطلاعات در این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس (SPSS) انجام می‌گیرد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، ۵۸/۶ درصد از افراد مورد مطالعه شاغل هستند که بیش از نیمی از آن‌ها در بخش دولتی و بقیه در بخش خصوصی یا به‌صورت خوداشتغالی مشغول به‌کار هستند. مطابق یافته‌های این مطالعه، محدود بودن فرصت‌های اشتغال برای زنان در بخش کشاورزی، حمایت نکردن دولت از دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی، و ارتباط نداشتن دانشکده‌های کشاورزی با بخش کشاورزی، از موانع مهم اشتغال دانش‌آموختگان دختر در بخش کشاورزی تلقی می‌شود. ضمن این‌که بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون، ویژگی اعتمادبه‌نفس به‌عنوان مؤثرترین متغیر در اشتغال دانش‌آموختگان دختر ارزیابی می‌شود به‌طوری که با افزایش اعتمادبه‌نفس در دانش‌آموختگان دختر، اشتغال آنان نیز به‌طور مثبت و معنادار تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: آموزش عالی کشاورزی، اشتغال، دانش‌آموختگان دختر، ویژگی‌های فردی.

مقدمه و طرح مسئله

نیروی انسانی دارای تحصیلات عالی در سال‌های اخیر از لحاظ کمی رشدی قابل توجه داشته است. در طول دهه‌ی گذشته، تعداد کل فارغ‌التحصیلان از ۵۸۸ هزار نفر به ۱/۵ میلیون نفر افزایش یافته است.

* استادیار دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین - اهواز

** دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۶/۲۳

بدین ترتیب، نظام آموزشی کشور در دهه‌ی مذکور، حدود دو برابر نیروی انسانی را که قبلاً در طول ۵۰ سال تأمین شده بود تربیت کرده است. در این میان با توجه به خیل عظیم دانش‌آموختگان آموزش عالی، اشتغال یکی از دغدغه‌های اقتصادی مسئولان است. ایران جمعیتی جوان دارد که هر سال جمعی کثیر از جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها به نیروی کار آن افزوده می‌شود. ایجاد فرصت‌های اشتغال مولد برای مبارزه با بی‌کاری و جلوگیری از تبعات اجتماعی و اقتصادی آن الزامی است و چنان‌چه در این زمینه قصوری صورت گیرد نه تنها فقر در جامعه گسترش می‌یابد، بلکه آمار بزهکاری‌ها و تخلفات اجتماعی - اقتصادی روزبه‌روز افزایش خواهد یافت. از این رو، به عقیده‌ی بسیاری از کارشناسان اقتصادی، چالش اصلی اقتصاد کشور در حال حاضر، رونق سرمایه‌گذاری‌های مولد و ایجاد فرصت‌های شغلی است (سلیمی^۱، ۱۳۸۳).

این چالش زمانی حادتر می‌شود که بدانیم بخشی عمده از این نیروهای دانش‌آموخته را زنان تشکیل می‌دهند. به طوری که اعلام شده است نرخ بی‌کاری زنان در آینده با سرعتی قابل توجه رو به فزونی است زیرا آماده نبودن بازار کار برای جذب حجم عظیم نیروی کار موجب تقویت نگرش‌های جنسیتی در زمینه‌ی اشتغال و موجب پیشی گرفتن نرخ بی‌کاری زنان نسبت به نرخ بی‌کاری مردان بیش از گذشته می‌شود که یکی از دلایل این امر، بالا بودن نرخ بی‌کاری زنان دارای تحصیلات متوسطه است که محرک اصلی آن‌ها در ورود به دانشگاه است (طایی^۲، ۱۳۸۲). بنابراین با توجه به این که پس از دانش‌آموختگان گروه پزشکی بالاترین نرخ بی‌کاری به فارغ‌التحصیلان کشاورزی اختصاص دارد انتظار می‌رود که این وضعیت در میان دانش‌آموختگان کشاورزی دختر به شکلی حادتر مطرح باشد. بدیهی است که افزایش اشتغال برای این گروه از دانش‌آموختگان دختر هم راه با ارائه‌ی تصویری دقیق از وضع فعالیت افراد دارای تحصیلات آموزش عالی و نرخ بی‌کاری روزافزون آن‌ها، می‌تواند موجب کنترل افزایش نرخ بی‌کاری در میان آن‌ها شود که در این راه ضرورت افزایش توان حرفه‌ای و مهارتی دانش‌آموختگان کشاورزی دختر به‌عنوان یک راه‌حل اساسی مثمر ثمر خواهد بود (رادنیایا^۳، ۱۳۷۸).

از سوی دیگر، با وجود عرضه‌ی زیاد فارغ‌التحصیلان و تقاضای اندک اشتغال در بخش کشاورزی باز هم هر سال تعداد زیادی از جوانان کشور پس از طی کنکور سراسری، آماده‌ی ادامه‌ی تحصیل در دانشگاه‌ها می‌شوند و بدین ترتیب هر سال بر این معضل مهم و این مشکل پیچیده می‌افزایند و شگفت‌آورتر این که هر

1. Salimi, H
2. Taie, H
3. Radniya, H

تبیین نقش ویژگی‌های فردی مؤثر بر اشتغال دانش‌آموختگان دختر آموزش عالی ایران ۲۰۵

سال تعداد داوطلبان دختر در رشته‌های کشاورزی در کنکور افزایش می‌یابد و لذا هر سال بر ابعاد معضل مذکور افزوده می‌شود و مشکل بی‌کاری فارغ‌التحصیلان کشاورزی چهره‌ی زنانه به‌خود می‌گیرد. به‌ویژه این‌که اشتغال دختران در بخش کشاورزی، نسبت به پسران، با محدودیت‌ها و معذوریت‌های اجتماعی و فرهنگی نیز توأم است در حالی‌که بخش کشاورزی - اعم از دولتی و خصوصی - از کمبود نیروی انسانی تحصیل کرده رنج می‌برد (زمانی‌پور^۴، ۱۳۸۵). لذا خروج از این چالش‌ها و تبدیل تهدید بی‌کاری به فرصت اشتغال برای دانش‌آموختگان دختر کشاورزی، نیازمند مطالعات عمیق‌تر در نظام آموزشی حاکم و داوطلبان آن است.

برخی مطالعات تحولات چشم‌گیر دهه‌ی ۱۳۶۰ را علت اصلی بالا رفتن نرخ بی‌کاری قلمداد می‌کنند، اما افزایش سطح تحصیلات زنان و ورود آنان به بازار کار نیز عامل مؤثر دیگری در این خصوص است (صارمی^۵، ۱۳۸۵). تمایل زنان به ورود به بازار کار و دست‌یابی به موقعیت‌های شغلی بهتر همراه با نبود فرصت‌های شغلی کافی برای زنان دارای تحصیلات متوسط و نرخ بالای بی‌کاری آنان از جمله انگیزه‌هایی بوده که زنان را به سمت کسب تحصیلات عالی سوق داده است در حالی‌که با وجود رابطه‌ی دوطرفه میان تحصیل و اشتغال، تحصیلات بیشتر زنان نرخ مشارکت آنان را در بازار کار کاهش داده است (فصل‌نامه رویش^۶، ۱۳۸۴).

فروزانی و زمانی^۷ (۱۳۸۵) معتقدند که وضعیت بی‌کاری در مورد دانش‌آموختگان رشته‌ی کشاورزی حادث است و در همین راستا افزایش روند پذیرش دختران در دانشگاه‌ها نسبت به پسران و محدودیت‌های فردی، اجتماعی و فرهنگی موجود برای آن‌ها در دست‌یابی به شغل کشاورزی، این مسئله را برای دختران فارغ‌التحصیل کشاورزی مشکل‌تر نموده است. لذا ابعاد معضل بی‌کاری این گروه از فارغ‌التحصیلان پیچیده‌تر از مردان شده است.

نتایج تحقیق نوروزی و علمی^۸ (۱۳۸۱) حاکی از آن است که ذهنیت‌های فرهنگی موجود در مورد طرز تلقی زن از خود و جامعه از زن، اغلب مانع ورود زنان در کلیه‌ی فعالیت‌های اقتصادی شده است و اقتصاد کشور با ساختار فعلی قادر به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید برای زنان در همه‌ی عرصه‌های فعالیت نیست. ضمن این‌که از دیگر مسائلی که در زمینه‌ی اشتغال زنان و به‌ویژه زنان تحصیل کرده وجود دارد، محدودیت تنوع شغلی یا جداسازی جنسیتی مشاغل است که باعث تمرکز فعالیت زنان در مشاغل خاصی می‌شود و از

⁴. Zamanipour, A

⁵. Saremi, S

⁶. Journal of Rooyesh

⁷. Foruzani, M. & Gh. Zamani

⁸. Noruzi, L. & Z. Elmi

جمله پیامدهای آن کاهش انعطاف‌پذیری بازار کار و عدم کارایی اقتصادی آن است. به‌علاوه، برای زنان امکان دستیابی به سطوح بالای مدیریتی و تصمیم‌گیری متناسب با تحصیلات آن‌ها وجود ندارد. این موضوع در میان مشاغل بخش کشاورزی برای زنان دانش‌آموخته مشهودتر است. از طرفی به عقیده‌ی ماهر و یآوری^۹ (۱۳۸۱) زنان به لحاظ روحی و جسمی توانایی انجام کارهای سخت از جمله کشاورزی را ندارند و از این رو تمایل کمتری به اشتغال در بخش غیردولتی و تولید کشاورزی دارند. مطالعات مختلف نشان می‌دهد کشورهای که نیروی کار ماهر دارند و سیاست رشد را انتخاب کرده‌اند، سرمایه‌گذاری آن‌ها در توسعه‌ی مهارت‌ها به افزایش اشتغال کمک کرده است. شواهد نشان می‌دهد افزایش آموزش‌های صحیح می‌تواند بی‌کاری را کاهش دهد. همچنین آموزش‌های علمی- کاربردی ریسک انفجار بی‌کاری زنان و جوانان بی‌شغل و بی‌کاری تمام‌وقت افراد کم‌مهارت و ناتوان را کاهش می‌دهد (وارما^{۱۰}، ۲۰۰۰). اِلدِر و دِرای^{۱۱} (۲۰۰۱) نیز همین نکته را در مطالعه‌ی خود مورد تکیه قرار داده و اظهار می‌دارند که دانشکده‌های دوساله برای آماده نمودن دانشجویان برای کسب‌وکار و اشتغال باید آموزش‌های کارآفرینی را در برنامه‌های آموزش خود ارائه نمایند.

بر اساس مطالب ذکر شده و نتایج سایر تحقیقات مشابه، به نظر می‌رسد با توجه به روند روبه‌رشد تعداد دختران در رشته‌های کشاورزی، باید در خصوص وضعیت این قشر از دانش‌آموختگان کشاورزی به‌طور تخصصی تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی شود. در این راستا می‌توان با شناخت ویژگی‌های منحصربه‌فرد این دسته از دانش‌آموختگان و مطالعه ارتباط آن با وضعیت اشتغال آن‌ها به این برنامه‌ریزی کمک کرد. بنابراین ضروری است ضمن رفع نارسایی‌های موجود، در دوره‌های آموزش عالی کشاورزی در جهت تربیت نیروی ماهر و مورد نیاز بخش کشاورزی، ویژگی‌های دختران دانش‌آموخته به‌طور دقیق مطالعه و عوامل فردی مؤثر بر اشتغال این گروه از دانش‌آموختگان شناسایی شود. سوالاتی که در این جا محقق را به انجام این مطالعه‌ی موردی در دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین واداشته است عبارتند از:

- دانش‌آموختگان دختر این دانشگاه از نظر وضعیت شغلی در چه شرایطی هستند؟
- چه موانعی آن‌ها را از ورود به عرصه‌ی اشتغال در بخش کشاورزی بازمی‌دارد؟
- ویژگی‌های مختلف روان‌شناختی و جامعه‌شناختی چه اثری بر اشتغال آنان دارد؟

^۹. Maher, F. & Gh. Yavari

^{۱۰}. Varma, P

^{۱۱}. Elder, R. & R. W. Drury

تبیین نقش ویژگی‌های فردی مؤثر بر اشتغال دانش‌آموختگان دختر آموزش عالی ایران ۲۰۷

لذا این مطالعه با هدف تبیین نقش ویژگی‌های فردی مؤثر بر اشتغال دانش‌آموختگان دختر دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین صورت گرفته است و دارای اهداف اختصاصی ذیل است:

- شناخت ویژگی‌های فردی، شغلی و تحصیلی دانش‌آموختگان دختر دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین؛
- اولویت‌بندی موانع اشتغال دانش‌آموختگان دختر در بخش کشاورزی؛
- مقایسه‌ی دختران دانش‌آموخته‌ی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین بر اساس وضعیت شغلی و سال فارغ‌التحصیلی؛
- تحلیل رگرسیونی میزان تأثیرگذاری متغیرهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بر اشتغال دانش‌آموختگان دختر کشاورزی.

مبانی نظری

تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که عوامل گوناگون فردی بر میزان موفقیت شغلی افراد تأثیر می‌گذارد (گرین‌هاوس^{۱۲}، ۲۰۰۳؛ کارتمل و کاتن^{۱۳}، ۲۰۰۴). به عقیده‌ی جاگ و هم‌کاران^{۱۴} (۱۹۹۵) نیز ویژگی‌های فردی و سازمانی بر اشتغال تأثیر گذارند. آن‌ها در تحقیق خود نشان دادند که بین عواملی مثل سن و وضعیت تأهل با وضعیت اشتغال افراد رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

نتایج مطالعه‌ی لاملاس^{۱۵} (۲۰۰۴) پیرامون اشتغال زنان و آموزش عالی نشان می‌دهد که افزایش جمعیت دانش‌آموختگان زن، عامل اصلی رشد نرخ مشارکت نیروی کار زنان در آمریکای لاتین در دو دهه‌ی گذشته است. این نتایج نشان می‌دهد که آموزش عالی در افزایش اشتغال زنان به‌طور کلی و در برخی از بخش‌های اشتغال برای زنان به‌طور خاص مؤثر است. ضمن این‌که بر اساس این یافته‌ها، زنان دارای تحصیلات بهتر و تعداد فرزند کمتر شانس بیشتری برای ورود به عرصه‌ی اشتغال دارند.

یافته‌های تحقیق دُلادو و هم‌کاران^{۱۶} (۲۰۰۰) با عنوان «اشتغال زنان و تغییرات شغلی در دهه‌ی گذشته» نشان می‌دهد که میزان اشتغال زنان تحت تأثیر متغیرهای تحصیلات و سن قرار می‌گیرد

¹². Greenhaus, J

¹³. Cartmell, D. & B. Gaton

¹⁴. Judge, T., Cable, D., Boudreau, J., & R. Bretz

¹⁵. Lamelas, N

¹⁶. Dolado, J. J., Felgueroso, F. & Jimeno, J. F

به طوری که نرخ اشتغال زنان با سطح تحصیلات بالاتر بیش از سایرین است و نیز فرصت شغلی کمتری برای زنان تحصیل کرده با سن بالاتر فراهم است. همچنین تحقیقات اخیر در زمینه‌ی کارآفرینی نشان می‌دهد که برخی از ویژگی‌های فردی مثل تحصیلات، جنسیت، سن، محیط خانواده، تجربه‌ی کاری، ریسک‌پذیری، رضایت شغلی و غیره می‌تواند ورود به عرصه‌ی اشتغال را تسهیل کند (روستی و چلی^{۱۷}، ۲۰۰۷).

به عقیده‌ی زمانی^{۱۸} (۱۳۸۴) در بخش کشاورزی، تجربه‌ی اندک فارغ‌التحصیلان دختر کشاورزی در فعالیت‌های بخش کشاورزی، عدم تناسب رشته‌های تحصیلی دانش‌آموختگان دختر کشاورزی با مشاغل مورد نظر ادارات و سازمان‌ها، عدم احتیاج به نیروی زن و ترجیح دادن نیروی مرد، نداشتن سرمایه و عدم حمایت‌های مالی از دانش‌آموختگان دختر کشاورزی، نداشتن ضامن معتبر، عدم هم‌کاری ادارات ذی‌ربط، بهره‌ی بالای وام‌های دریافتی و شرایط نامناسب بازپرداخت آن‌ها از دلایل عمده‌ی بی‌کاری در میان فارغ‌التحصیلان دختر کشاورزی است.

فروزانی و زمانی (۱۳۸۵) در مطالعه‌ی خود پیرامون «بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دختر رشته‌های کشاورزی»، عمده‌ترین علت عدم اشتغال زنان دانش‌آموخته کشاورزی را ضعف مهارت‌های عملی و تجربه‌ی کم آنان در فعالیت‌های مرتبط با بخش کشاورزی دانسته‌اند و اظهار می‌دارند که درصد بی‌کاری در دختران فارغ‌التحصیل کشاورزی بیش از پسران است.

نتایج مطالعه‌ی مدنی‌پور^{۱۹} (۱۳۸۵) حاکی از آن است که سطح اقتصادی کشور، چگونگی رشد و عوامل ناشی از آن از قبیل شهرنشینی، احتیاج به کارهای مخصوص زنان و غیره، از عوامل مؤثر در اشتغال‌زایی زنان است. بر اساس یافته‌های این مطالعه، هرچه میزان تحصیلات زنان بالاتر رود، سطح اشتغال آن‌ها نیز بالاتر می‌رود. دسترسی به فرصت‌های تحصیلی و آموزشی نه تنها وضعیت اشتغال زنان را ارتقاء می‌دهد، بلکه در زمینه‌ی بهداشت، حقوق زناشویی و خانوادگی نیز برای آنان دستاوردهای مثبتی خواهد داشت.

به عقیده‌ی پورقاسم^{۲۰} (۱۳۸۱) تأمین اعتبار لازم یکی از عوامل مؤثر و در مواردی مهم و اثرگذار است، اما این عامل وقتی به ثمر می‌نشیند که موجبات اثرگذاری آن به‌خوبی فراهم شده باشد. طبق یافته‌های تحقیق او، بیشتر فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های دولتی تمایل دارند در بخش‌های دولتی مشغول

17. Rosti, L. & Chelli, F

18. Zamani, Gh

19. Madanipour, N

20. Pourghasem, Sh

تبیین نقش ویژگی‌های فردی مؤثر بر اشتغال دانش‌آموختگان دختر آموزش عالی ایران ۲۰۹

به کار باشند. ضمن این که ۵۵/۶ درصد از زنان تحصیل کرده‌ی دانشگاهی بی‌کار، وضعیت فرهنگی را برای استخدام زنان در جامعه‌ی ما بسیار مؤثر می‌دانند.

نتایج مطالعه‌ی صالحی عمران^{۲۱} (۱۳۸۵) نشان می‌دهد عواملی نظیر دانش و اطلاعات کسب‌شده در دوران تحصیل در دانشگاه، وجود زمینه‌های شغلی متناسب با رشته‌ی تحصیلی و مهارت‌های عملی کسب‌شده در دوران تحصیل، در دستیابی زنان به شغل مؤثر است. همچنین، عواملی نظیر تعداد زیاد دانش‌آموختگان، آشنا نبودن با کارفرمایان و نبود استخدام در بخش‌های دولتی، نداشتن اطلاعات کافی از وضعیت بازار کار و عدم تناسب رشته‌های آموزشی با نیازهای بخش اشتغال، موانع جذب در بازار کار تلقی می‌شوند که بر این اساس از لحاظ نظری می‌توان نظریه‌ی سرمایه‌ی انسانی را نقد کرد.

پورقاسم (۱۳۸۱) در مطالعه‌ی وضعیت اشتغال زنان تحصیل کرده، علل بی‌کاری دانش‌آموختگان آموزش عالی را این موارد می‌داند: عدم تناسب رشد اقتصادی و ظرفیت اشتغال‌زایی جامعه، رشد تعداد دانش‌آموختگان، فقدان ارتباط کافی بین نظام آموزش و نظام اشتغال، کمبود مهارت‌های مورد نیاز بازار کار از سوی فارغ‌التحصیلان، تمرکز فارغ‌التحصیلان در محیط‌های مرکزی، فقدان تحرک شغلی فارغ‌التحصیلان، فقدان اطلاعات در مورد نیازهای بازار کار در بین داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها، و هماهنگ نبودن و ارتباط نداشتن مؤسسات آموزشی با مراکز تولید و کارفرمایان.

خواجه‌نوری و حاتمی^{۲۲} (۱۳۸۱) با ارزیابی وضعیت اشتغال زنان در ایران نتیجه گرفته است که نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران با کشورهای درحال توسعه مشابه بوده در حالی که میزان سواد و تحصیلات آنان با کشورهای پیشرفته قابل مقایسه است. به عقیده‌ی او، نهادهای رسمی یعنی قوانین و مقررات، بیشترین تأثیرگذاری را بر سطح اشتغال زنان دارند که به نوبه‌ی خود تحت تأثیر نهادهای فرهنگی و اجتماعی هستند.

میناوند چال^{۲۳} (۱۳۸۳) در پایان‌نامه‌ی خود با موضوع «عوامل مؤثر بر اشتغال زنان دارای تحصیلات عالی» این عوامل را در دو سطح دسته‌بندی نمود. بر اساس نتایج این تحقیق؛ عوامل درجه اول شامل کیفیت فرصت‌های شغلی مانند میزان اهمیت دولتی و آزاد بودن شغل (شأن اجتماعی شغل)، میزان اهمیت شغل برای رشد و ترقی و میزان اهمیت تطابق کار با رشته‌ی تحصیلی و از عوامل دیگر، رشته‌ی تحصیلی، نوع دانشگاه، وضعیت تأهل و میزان اهمیت دست‌مزد و همچنین برخی از عناصر فرهنگی

21 . Salehi Omran, E

22 . Khajenuri, B. & A. Hatami

23 . Minavand Chal, S

۲۱۰ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹

جامعه است. هم‌چنین به عقیده وی، تحصیلات عالی، محل سکونت قبل از فارغ‌التحصیلی و سطح تحصیلات زنان دارای تحصیلات عالی از عواملی هستند که بر اشتغال زنان اثرگذار نیست.

روش تحقیق

مطالعه‌ی حاضر از لحاظ هدف از تحقیقات کاربردی محسوب می‌شود و از دیدگاه گردآوری داده‌ها از روش علی-ارتباطی تبعیت می‌کند. محدوده‌ی جغرافیایی موضوع مورد مطالعه، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین اهواز است. جامعه‌ی آماری این پژوهش با توجه به اهداف آن، کلیه‌ی دانش‌آموختگان دختر دانشگاه مذکور در مقطع کارشناسی در سال‌های ۸۴ تا ۸۷ و در مجموع شامل ۳۳۵ نفر هستند. حجم نمونه‌ی مورد نظر در این مطالعه با استفاده از فرمول کوکران ۱۳۴ نفر محاسبه، و برای افزایش دقت مطالعه‌ی حاضر ۱۴۰ نفر به‌عنوان نمونه‌ی آماری انتخاب شد. ضمن این‌که با توجه به تعداد دانش‌آموختگان هر سال، این نمونه به روش نمونه‌گیری طبقاتی متناسب در سال‌های مختلف و کاملاً تصادفی در داخل طبقات انتخاب شده‌اند.

جدول (۱): آمار دانش‌آموختگان کارشناسی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین به تفکیک رشته‌ی تحصیلی

رشته تحصیلی	سال	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	جمع
ترویج و آموزش کشاورزی	۲۰	۲۴	۸	۱۰	۶۲	
ماشین‌های کشاورزی	۱۱	۱۰	۹	۰	۳۰	
زراعت	۱۸	۲۱	۳۳	۱۶	۷۸	
علوم دامی	۱۴	۱۶	۲۵	۲۱	۷۶	
صنایع غذایی	۲۰	۱۰	۸	۰	۳۸	
مکانیزاسیون کشاورزی	۰	۰	۱۲	۲۰	۳۲	
خاک‌شناسی	۰	۰	۰	۱۹	۱۹	
جمع	۸۳	۸۱	۸۵	۸۶	۳۳۵	
نمونه	۳۵	۳۴	۳۵	۳۶	۱۴۰	

متغیر وابسته در این مطالعه، اشتغال دانش‌آموختگان دختر دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین است. شاخص این متغیر به کمک مجموع اعداد اختصاص داده شده به گویه‌های مختلف در مقیاس فاصله‌ای به‌دست آمد. متغیرهای مستقل نیز عبارتند از: ویژگی‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی و سایر

تبیین نقش ویژگی‌های فردی مؤثر بر اشتغال دانش‌آموختگان دختر آموزش عالی ایران ۲۱۱

عوامل فردی. در تحقیق حاضر تلاش شده است این ویژگی‌ها با توجه به مطالعات مختلف در زمینه‌ی اشتغال از جمله هنری و هم‌کاران^{۲۴} (۲۰۰۳)، هیستریچ و هم‌کاران^{۲۵} (۲۰۰۵)، زمانی (۱۳۸۰)، جعفرزاده^{۲۶} (۱۳۸۴) و فروزانی و زمانی (۱۳۸۵) و سایر تحقیقاتی که در مبنای نظری آمده است استخراج شود. با توجه به اهداف پژوهش، از پرسش‌نامه به‌عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شده است که روایی و اعتبار آن به کمک گروهی از اساتید و آموزش‌گران ارزیابی، اصلاح و تأیید نهایی شد. هر یک از ویژگی‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مورد نظر با استفاده از چندین پرسش‌مبندی بر طیف لیکرت در پرسش‌نامه مورد سنجش قرار گرفته است که مجموع آن پاسخ‌ها شاخص آن ویژگی تلقی می‌شود. هم‌چنین به‌منظور برآورد پایایی این پرسش‌نامه نیز ضریب کرونباخ آلفای آن محاسبه شد که بر اساس نتایج به‌دست آمده، برخی از سؤالات حذف و برخی نیز اصلاح شد. در نهایت، ضریب کرونباخ آلفا ۰/۸۳٪ محاسبه شد که حاکی از قابلیت اعتماد مطلوب ابزار تحقیق است.

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم افزار اس.پی.اس.اس ۱۳ (SPSS/13) انجام شده است. در سطح آمار توصیفی با استفاده از مشخصه‌های آماری نظیر فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات به توصیف داده‌های پژوهش پرداخته شده است. در سطح آمار استنباطی نیز از آزمون‌های تی‌استیودنت، تحلیل واریانس و تحلیل رگرسیون استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج به‌دست آمده، میانگین سن دانش‌آموختگان مورد مطالعه ۲۶ سال بوده است که با انحراف معیار ۶/۴ حاکی از پراکنش بالای سنی آن‌هاست. از میان افراد مورد مطالعه ۴۶/۷ درصد متأهل و بقیه مجرد هستند. مطابق یافته‌ها، ۸۲ نفر (۵۸/۶ درصد) از افراد مورد مطالعه به‌صورت تمام‌وقت (۴۲/۲ درصد) و پاره‌وقت (۱۶/۴ درصد) شاغل هستند. در مورد دانش‌آموختگان بی‌کار باید اشاره نمود که اکثر بی‌کاران مربوط به دانش‌آموختگان دو سال اخیر بوده‌اند. این امر را شاید بتوان بدین شکل تعبیر کرد که علت بی‌کاری اکثر این دانش‌آموختگان، نبود فرصت کافی برای جست‌وجو و احراز شغل مناسب یا کمبود فرصت‌های شغلی متناسب با رشته‌های تحصیلی در سال‌های اخیر است.

²⁴ Henry, C., Hill, F. & Leitch, C

²⁵ Hisrich, R. & Peters, M

²⁶ Jafarzadeh, M

۲۱۲ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹

جدول (۲): وضعیت شغلی دانش‌آموختگان مورد مطالعه

بر اساس سال فارغ‌التحصیلی

جمع	بی‌کار	شاغل		وضعیت شغلی سال فراغت از تحصیل
		تمام وقت	پاره وقت	
۳۵	۷	۱۹	۹	سال ۱۳۸۴
۳۴	۵	۲۱	۸	سال ۱۳۸۵
۳۵	۱۶	۱۴	۵	سال ۱۳۸۶
۳۶	۳۰	۵	۱	سال ۱۳۸۷
۱۴۰	۵۸	۵۹	۲۳	جمع
۱۰۰	۴۱/۴	۴۲/۲	۱۶/۴	درصد

هم‌چنین با توجه به اطلاعات جدول ۳، از میان دانش‌آموختگان شاغل ۵۸/۶ درصد در بخش دولتی، ۳۲/۹ درصد در بخش خصوصی و تنها ۷ نفر (۸/۵ درصد) به صورت خوداشتغالی مشغول به کارند. ضمن این‌که از بین ۸۲ دانش‌آموخته‌ی شاغل، تنها ۵۶ نفر (۶۸/۳ درصد) ارتباط شغل با رشته‌ی تحصیلی خود را مطلوب ارزیابی کردند.

جدول (۳): توزیع فراوانی دانش‌آموختگان شاغل بر اساس وضعیت شغلی

جمع	نوع شغل						وضعیت شغلی	
	خوداشتغالی		خصوصی		دولتی			
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
۷۲	۵۹	۰	۰	۱۵/۸	۱۳	۵۶/۱	۴۶	شاغل تمام وقت
۲۸	۲۳	۸/۵	۷	۱۶/۱	۱۴	۲/۵	۲	شاغل پاره وقت
۱۰۰	۸۲	۸/۵	۷	۳۲/۹	۲۷	۵۸/۶	۴۸	جمع

در ادامه با توجه به اهداف تحقیق حاضر، موانع اشتغال دانش‌آموختگان دختر در مشاغل بخش کشاورزی مطالعه شد. بر اساس یافته‌های این مطالعه، پاسخ‌گویان موارد مهم بازدارنده‌ی اشتغال دانش‌آموختگان دختر در بخش کشاورزی را به ترتیب این موارد ذکر کرده‌اند: ۱- محدود بودن فرصت‌های اشتغال برای زنان در بخش کشاورزی. ۲- حمایت نکردن دولت از دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی. ۳- پایین بودن سطح دانش و مهارت شغلی دانش‌آموختگان دختر رشته‌ی کشاورزی و ۴- عدم تناسب دروس ارائه‌شده در دانشکده‌های کشاورزی با نیازهای بازار کار. در حالی که طبق اطلاعات جدول (۴)، سستی بودن بخش کشاورزی و توجه نکردن به دانش روز کشاورزی و سطح پایین خلاقیت در دانش‌آموختگان دختر از اولیوی پایین‌تر برخوردار هستند.

تبیین نقش ویژگی‌های فردی مؤثر بر اشتغال دانش‌آموختگان دختر آموزش عالی ایران ۲۱۳

جدول (۴): اولویت‌بندی موانع اشتغال دانش‌آموختگان دختر در بخش کشاورزی

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۵۱/۶۷	۳/۰۹	۵/۹۸	محدود بودن فرصت‌های شغلی ایجادشده برای زنان در بخش کشاورزی
۲	۵۲/۲۶	۲/۷۸	۵/۳۲	حمایت نکردن دولت از دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی
۳	۵۳/۰۶	۲/۸۶	۵/۳۹	پایین بودن سطح دانش و مهارت شغلی دانش‌آموختگان دختر رشته‌ی کشاورزی
۴	۵۸/۲۴	۳/۱۱	۵/۳۴	عدم تناسب دروس ارائه شده در دانشکده‌های کشاورزی با نیازهای بازار کار
۵	۵۹/۵۹	۲/۸۹	۴/۸۵	محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی موجود برای زنان در دست‌یابی به شغل کشاورزی
۶	۶۰/۷۸	۲/۸۲	۴/۶۴	عدم علاقه دانش‌آموختگان دختر به مشاغل بخش کشاورزی
۷	۶۲/۵۵	۲/۸۹	۴/۶۲	عدم کارایی دانشکده‌های کشاورزی در تربیت دانش‌آموختگانی کارآفرین
۸	۶۴/۲۱	۲/۹۶	۴/۶۱	تجربه‌ی اندک دختران دانش‌آموخته‌ی کشاورزی در فعالیت‌های بخش کشاورزی
۹	۶۴/۶۰	۲/۸۱	۴/۳۵	عدم توانایی مالی برای فراهم آوردن مقدمات شغلی در بخش کشاورزی
۱۰	۶۸/۴۶	۲/۹۳	۴/۲۸	عدم ارتباط دانشکده‌های کشاورزی با بخش کشاورزی
۱۱	۷۲/۲۶	۲/۸۴	۳/۹۳	سطح پایین خلاقیت در دانش‌آموختگان دختر به دلیل روش‌های سنتی تدریس
۱۲	۷۵/۰۶	۲/۹۵	۳/۹۳	سنتی بودن بخش کشاورزی و عدم توجه به دانش روز کشاورزی

به‌منظور مقایسه‌ی دیدگاه دانش‌آموختگان دختر شاغل و بی‌کار، از آزمون مقایسه‌ی میانگین ^t استفاده شد. مطابق جدول (۵)، نتایج این آزمون نشان داد که بین دیدگاه دانش‌آموختگان دختر شاغل و بی‌کار در خصوص تأثیر ویژگی‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بر اشتغال آنان، در برخی از ویژگی‌ها تفاوتی معنادار در سطح ۵ درصد و ۱ درصد وجود دارد.

جدول (۵): توافق‌سنجی نگرش دانش‌آموختگان شاغل و بی‌کار

در مورد تأثیر ویژگی‌های فردی بر اشتغال^{۲۷}

t	میانگین		گویه‌ها	
	بیکار	شاغل		
۲/۲۱*	۶/۸۴	۷/۷۴	اعتمادبه‌نفس	ویژگی‌های روان‌شناختی
۲/۳۵*	۵/۷۲	۶/۶۸	ریسک‌پذیری	
۲/۴۳*	۶/۹۱	۷/۸۸	استقلال‌طلبی و آزادی عمل	
۱/۶۳	۶/۳۱	۶/۹۶	پیشگام بودن و فرصت‌طلبی	
۲/۶۴**	۶/۸۰	۷/۹۶	مسئولیت‌پذیری	
۱/۴۷	۶/۵۳	۷/۱۱	تجربه‌ی شغلی فرد	ویژگی‌های جامعه‌شناختی
۲/۵۴*	۶/۲۹	۷/۳۶	تحصیلات خود فرد	
۱/۵۲	۶/۸۹	۷/۵۰	تجربیات کاری والدین	
۱/۶۳	۶/۳۱	۶/۹۶	محیط مناسب در فرایند رشد شخصی	
۲/۴۹*	۶/۸۰	۷/۸۴	سن فرد در آغاز فعالیت شغلی	
۲/۴۹*	۷/۵۴	۶/۵۵	وجود امکانات مالی	

^{۲۷} .** : معنادار در سطح ۱٪ و * : معنادار در سطح ۵٪

۲۱۴ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹

همچنین به منظور مقایسه‌ی دیدگاه دانش‌آموختگان دختر سال‌های مختلف، از تحلیل واریانس استفاده شده است. نتایج حاصل نشان داد که بین دیدگاه دانش‌آموختگان سال‌های مختلف در خصوص تأثیر ویژگی‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بر اشتغال آنان، تفاوت آماری معناداری در برخی از ویژگی‌ها وجود دارد. ضمن این‌که برای گروه‌بندی دانش‌آموختگان سال‌های مختلف از لحاظ دیدگاه آن‌ها در خصوص متغیرهای مورد مطالعه، از آزمون دانکن استفاده شده که نتایج آن در جدول (۶) آمده است.

جدول (۶): مقایسه‌ی دیدگاه دانش‌آموختگان سال‌های مختلف در مورد تأثیر ویژگی‌های فردی بر اشتغال^{۲۸}

دانکن	f	واریانس		گویه‌ها	
		درون گروه‌ها	بین گروه‌ها		
—	۱/۵۵	۶/۷۶	۱۰/۴۷	اعتمادبه‌نفس	ویژگی‌های روان‌شناختی
۸۷-۸۵ و ۸۴	۲/۲۸*	۵/۸۱	۱۳/۲۵	ریسک‌پذیری	
—	۱/۹۶	۶/۰۳	۱۱/۷۹	استقلال‌طلبی و آزادی عمل	
—	۱/۸۴	۴/۹۹	۹/۲۰	پیشگام بودن و فرصت‌طلبی	
۸۷-۸۵ و ۸۴	۲/۲۸*	۶/۳۵	۱۴/۴۶	مسئولیت‌پذیری	
—	۱/۷۳	۵/۳۸	۹/۲۹	تجربه‌ی شغلی فرد	ویژگی‌های جامعه‌شناختی
—	۱/۹۱	۵/۹۵	۱۱/۳۴	تحصیلات خود فرد	
—	۱/۴۸	۷/۹۱	۱۱/۷۵	تجربیات کاری والدین	
—	۱/۵۵	۶/۷۶	۱۰/۴۷	محیط مناسب در فرایند رشد شخصی	
۸۷ و ۸۶-۸۴	۲/۳۲*	۴/۸۱	۱۱/۱۴	سن فرد در آغاز فعالیت شغلی	
۸۷ و ۸۶-۸۵ و ۸۴	۲/۳۹*	۵/۷۸	۱۳/۸۲	وجود امکانات مالی	
—	—	—	—	—	

در ادامه‌ی مطالعه حاضر و به منظور سنجش تأثیر متغیرهای مستقل مورد مطالعه بر متغیر وابسته‌ی اشتغال دانش‌آموختگان، از رگرسیون چندگانه استفاده شده است. با توجه به هدف تحقیق، متغیرهای مستقل که همان ویژگی‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی دانش‌آموختگان بودند در یک تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام مطالعه شدند. با توجه به نتایج حاصل از انجام رگرسیون گام‌به‌گام در خصوص ویژگی‌های مذکور در جداول (۷) و (۸) مشاهده می‌شود که در اولین گام متغیر «اعتمادبه‌نفس» وارد معادله شد که ضریب همبستگی چندگانه‌ی ۰/۴۹۹ و ضریب تعیین ۰/۲۴۹ را نشان داد. لذا این متغیر به‌تنهایی حدود ۲۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌نماید. در گام دوم، متغیر «امکانات مالی» وارد معادله شد که این متغیر، ضریب همبستگی چندگانه را ۰/۵۷۱ و ضریب تعیین را به ۰/۳۲۶ افزایش داد. در حقیقت این متغیر به‌تنهایی ۷/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته

^{۲۸} *: معنادار در سطح ۱٪ و **: معنادار در سطح ۵٪

تبیین نقش ویژگی‌های فردی مؤثر بر اشتغال دانش‌آموختگان دختر آموزش عالی ایران ۲۱۵

را تبیین می‌کند. در گام سوم این تحلیل نیز متغیر «استقلال طلبی و آزادی عمل» وارد معادله شد که ضریب همبستگی برابر ۰/۶۴۱ و ضریب تعیین برابر ۰/۴۱۰ به دست آمد. در حقیقت تا این گام این سه متغیر توانستند ۴۱ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند. به همین ترتیب در گام‌های چهارم تا هشتم با ورود متغیرهای «تجربه‌ی شغلی فرد»، «ریسک‌پذیری»، «سن فرد»، «تحصیلات فرد» و «پیشگام بودن و فرصت‌طلبی» به معادله‌ی رگرسیون، ضریب همبستگی تا ۰/۷۵۲ افزایش یافت و ضریب تعیین هم به ۰/۵۶۵ رسید. در مجموع، متغیرهای مستقل مذکور توانستند ۵۶/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته‌ی تحقیق را پیش‌بینی نمایند.

جدول (۷): ضرایب تعیین ویژگی‌های جامعه‌شناختی تأثیرگذار در توانمندی کارآفرینانه‌ی دانش‌آموختگان

گام	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R ²)	ضریب تعیین تعدیل شده (R ² AD)
۱	۰/۴۹۹	۰/۲۴۹	۰/۲۴۴
۲	۰/۵۷۱	۰/۳۲۶	۰/۳۱۶
۳	۰/۶۴۱	۰/۴۱۰	۰/۳۹۷
۴	۰/۶۷۵	۰/۴۵۵	۰/۴۳۹
۵	۰/۶۹۷	۰/۴۸۶	۰/۴۶۷
۶	۰/۷۰۹	۰/۵۰۳	۰/۴۸۱
۷	۰/۷۴۰	۰/۵۴۸	۰/۵۲۴
۸	۰/۷۵۲	۰/۵۶۵	۰/۵۳۸

جدول (۸): مقدار تأثیر ویژگی‌های جامعه‌شناختی در توانمندی کارآفرینانه دانش‌آموختگان

متغیر مستقل	ضریب غیر استاندارد (B)	ضریب استاندارد شده (Beta)	t	p
ضریب ثابت	۶/۴۴۷	---	۱۲/۲۳۲	۰/۰۰۰
اعتمادبه‌نفس	۰/۷۳۸	۰/۹۱۴	۶/۰۵۶	۰/۰۰۰
امکانات مالی	۱/۰۱۴	۰/۹۷۵	۸/۵۵۲	۰/۰۰۰
استقلال طلبی و آزادی عمل	۰/۸۲۳	۰/۶۷۴	۵/۹۷۱	۰/۰۰۰
تجربه‌ی شغلی فرد	۰/۴۵۶	۰/۴۳۹	۴/۵۶۷	۰/۰۰۰
ریسک‌پذیری	۰/۲۶۲	۰/۲۵۵	۲/۹۲۹	۰/۰۰۴
سن فرد در آغاز فعالیت شغلی	-۰/۵۷۱	-۰/۶۰۳	-۴/۶۵۶	۰/۰۰۰
تحصیلات فرد	۰/۴۸۰	۰/۵۶۳	۴/۲۳۶	۰/۰۰۰
پیشگام بودن و فرصت‌طلبی	۰/۲۵۴	۰/۲۹۳	۲/۲۶۸	۰/۰۲۵

بر اساس نتایج این تحلیل رگرسیون، متغیر «اعتمادبه‌نفس» مؤثرترین متغیر این تحلیل تلقی می‌شود به طوری که با افزایش اعتمادبه‌نفس در دانش‌آموختگان دختر، امکان اشتغال برای آنان به طور

مثبت و معناداری تغییر می‌کند و افزایش می‌یابد. به همین منوال، با افزایش متغیرهای امکانات مالی، تجربه‌ی شغلی فرد، ریسک‌پذیری، تحصیلات فرد و پیشگام بودن و فرصت‌طلبی نیز امکان اشتغال این گروه از دانش‌آموختگان افزایش خواهد یافت در حالی که بر اساس نتایج این تحلیل، با افزایش سن شاهد کاهش امکان اشتغال این افراد خواهیم بود. به جز تغییرات ناشی از این متغیرها، سایر تغییرات مربوط به عواملی است که در این تحقیق مطالعه نشده‌اند. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، معادله‌ی خطی حاصل از تحلیل رگرسیون به‌صورت زیر است که در آن Y نمایان‌گر متغیر وابسته‌ی تحقیق یعنی اشتغال دانش‌آموختگان دختر و X_1 تا X_8 نشان‌دهنده‌ی ۸ متغیر مستقل واردشده به معادله هستند.

$$Y = 6/447 + 0/738X_1 + 1/014X_2 + 0/823X_3 + 0/456X_4 + 0/262X_5 - 0/571X_6 + 0/480X_7 + 0/254X_8$$

نتیجه‌گیری

آنچه در تحولات اخیر اشتغال زنان بیش از هر نکته‌ی دیگر چشم‌گیر و قابل توجه است، استقبال زنان از افزایش سطح تحصیلی و دسترسی به مشاغل جدید حرفه‌ای می‌باشد. گرایش زنان و دختران به تحصیلات و تخصص‌های حرفه‌ای فرصتی است که می‌توان با استفاده‌ی صحیح از آن نه‌تنها مشکلات فعلی اشتغال را حل کرد، بلکه در جهت ایجاد تعادل بیشتر اجتماعی و فرهنگی از نظر تساوی حقوق زن و مرد و بهبود روابط خانوادگی گام‌های بزرگی برداشت. در هر صورت در کشور ما، گرایش زنان به اشتغال هم‌گام با دسترسی بیشتر آنان به سازمان‌های آموزشی - به‌ویژه دانشگاه‌ها - در طی مدت نسبتاً کوتاه در اغلب شهرهای بزرگ شدت یافت، اما چون این امر با شتاب‌زدگی در میان برخی از گروه‌ها مطرح شد و در عین حال، شرایط اجتماعی - فرهنگی جامعه در خیلی از موارد پویایی متناسب با آنرا نداشت، اشتغال زنان با مسائل حاد مواجه گردید.

نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیق نشان می‌دهد با وجود این که درصدی قابل توجه از دانش‌آموختگان دانشکده‌های کشاورزی را دختران تشکیل می‌دهند، اما برای اشتغال آن‌ها برنامه‌ای ویژه و مدون وجود ندارد به‌طوری که بر اساس یافته‌های این مطالعه در دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین، حدود ۴۱ درصد از دانش‌آموختگان دختر این دانشگاه در ۴ سال اخیر، بی‌کار هستند. ضمن این که از بین کل دانش‌آموختگان شاغل، بیش از نیمی در مراکز دولتی مشغول به کار هستند و حدود ۶۸ درصد از دختران دانش‌آموخته از این دانشگاه شغل‌شان را مرتبط با رشته‌ی تحصیلی خود دانستند. این یافته با نتایج تحقیق پورقاسم (۱۳۸۱) در خصوص تمایل دانش‌آموختگان به اشتغال در بخش دولتی هم‌خوانی دارد.

تبیین نقش ویژگی‌های فردی مؤثر بر اشتغال دانش‌آموختگان دختر آموزش عالی ایران ۲۱۷

مطابق یافته‌های این پژوهش، مهم‌ترین موانع اشتغال دانش‌آموختگان دختر در بخش کشاورزی عبارتند از: محدود بودن فرصت‌های اشتغال برای زنان، حمایت نکردن دولت از دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی، پایین بودن سطح دانش و مهارت شغلی دانش‌آموختگان دختر رشته‌ی کشاورزی و عدم تناسب دروس ارائه‌شده در دانشکده‌های کشاورزی با نیازهای بازار کار. در عین حال، سنتی بودن بخش کشاورزی و توجه نکردن به دانش روز کشاورزی و سطح پایین خلاقیت در دانش‌آموختگان دختر از جمله موانع کم‌اهمیت‌تر تلقی می‌شوند. برخی از این نتایج با یافته‌های مطالعات فروزانی و زمانی (۱۳۸۵)، فراس‌تخواه^{۲۹} (۱۳۸۳)، پورقاسم (۱۳۸۱) و صالحی عمران (۱۳۸۵) مطابقت دارد.

نتایج حاصل از آزمون مقایسه‌ی میانگین نشان داد که بین دیدگاه دانش‌آموختگان دختر شاغل و بی‌کار در مورد تأثیر برخی از ویژگی‌ها مثل اعتمادبه‌نفس، ریسک‌پذیری، سن فرد و امکانات مالی بر اشتغال آنان، اختلافی معنادار وجود دارد. ضمن این‌که نتایج تحلیل واریانس حاکی از آن است که بین دیدگاه دختران دانش‌آموخته در سال‌های مختلف نیز در مورد تأثیر برخی از ویژگی‌ها بر اشتغال آنان، اختلافی معنادار وجود دارد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت اشتغال این افراد باعث تفاوت در نگرش آن‌ها نسبت به تأثیر ویژگی‌های مختلف روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بر اشتغال شده است. برخی از این یافته‌ها با نتایج مطالعات عزیزی^{۳۰} (۱۳۸۴) و دُلا‌دو و هم‌کاران (۲۰۰۰) هم‌خوانی دارد.

هم‌چنین مطابق نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل رگرسیون، ویژگی اعتمادبه‌نفس به‌عنوان مؤثرترین متغیر این تحلیل رگرسیون ارزیابی می‌شود. بدین ترتیب با افزایش ویژگی اعتمادبه‌نفس در دانش‌آموختگان، اشتغال آنان نیز به‌طور مثبت و معناداری تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. ضمن این‌که متغیرهای امکانات مالی، استقلال‌طلبی و آزادی عمل، تجربه‌ی شغلی، ریسک‌پذیری، سن، تحصیلات و پیشگام بودن و فرصت‌طلبی نیز به همراه متغیر مذکور می‌توانند ۵۶/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته‌ی تحقیق را تبیین نمایند. برخی از این نتایج با یافته‌های پورقاسم (۱۳۸۱)، روستی و چلی^{۳۱} (۲۰۰۷)، لاملاس (۲۰۰۴)، دُلا‌دو و هم‌کاران (۲۰۰۰) و جاگ و هم‌کاران (۱۹۹۵) مطابقت دارد.

29. Ferasatkah, M

30. Azizi, B

31. Rosti, L. & Chelli, F

پیشنهادها

- از آنجا که مطالعه وضعیت تحصیلی و شغلی دانش‌آموختگان دختر شرایط واقعی اشتغال این گروه را روشن و امکان برنامه‌ریزی برای آینده‌ی شغلی آنان را میسرتر می‌سازد، توصیه می‌شود یک بانک اطلاعاتی در زمینه‌ی وضعیت شغلی و تحصیلی دانش‌آموختگان دختر با نظارت سازمان جهاد کشاورزی هر استان راه‌اندازی شود.
- با عنایت به نتایج به‌دست‌آمده در مورد موانع اشتغال، مطلوب است با برنامه‌ریزی، کمک و حمایت بیشتر دولت و نیز هماهنگی و هم‌کاری سازمان‌های ذی‌ربط، بستر مناسب در هر منطقه برای اشتغال دانش‌آموختگان دختر فراهم آید تا ثمربخشی فرصت‌های بالقوه شغلی میسر شود.
- با توجه به نتایج تحلیل رگرسیون در خصوص تأثیر ویژگی‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی در اشتغال دانش‌آموختگان مورد مطالعه، توصیه می‌شود برنامه‌هایی به‌منظور ارتقای سطح این ویژگی‌ها در دانش‌آموختگان دختر طراحی و در برنامه‌ریزی‌های درسی لحاظ شود.
- از آنجا که توانایی مالی از مقدمات فعالیت شغلی محسوب می‌گردد، پیشنهاد می‌شود تسهیلات بخش‌های اشتغال‌زایی خصوصاً در امر کشاورزی به‌صورت برنامه‌ریزی شده و از طریق مراجع ذی‌صلاح به اطلاع دانشجویان برسد تا در طی دوران تحصیل با آینده‌ی شغلی و فرصت‌های شغلی موجود آشنا شوند.
- با توجه به اهمیت و نقش دانش و مهارت‌های عملی در ورود دانش‌آموختگان دختر به عرصه‌ی اشتغال، تأکید می‌شود که آموزش‌های غیررسمی و کوتاه‌مدت درباره‌ی برخی از مهارت‌ها در دوران تحصیل در دانشگاه مورد توجه برنامه‌ریزان آموزش عالی قرار گیرد. ضمناً مطلوب است نحوه‌ی پذیرش دانشجویان دختر در رشته‌های کشاورزی به‌گونه‌ای باشد که تنها افراد مستعد و علاقه‌مند به حرفه‌ی کشاورزی وارد مراکز آموزش عالی کشاورزی شوند.

منابع

- بی‌نام (۱۳۸۴) «گرایش‌های جهانی اشتغال زنان: نگاهی به وضعیت اشتغال زنان ایرانی»، نشریه رویش، سال ۳، شماره ۹، ص ۶۲
- پورقاسم، ش (۱۳۸۱) «بررسی وضعیت اشتغال زنان تحصیلکرده» پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

تبیین نقش ویژگی‌های فردی مؤثر بر اشتغال دانش‌آموختگان دختر آموزش عالی ایران ۲۱۹

- جعفرزاده، م** (۱۳۸۴) «طراحی و تبیین الگویی برای پیش‌بینی کارآفرینی فارغ‌التحصیلان»، رساله دکتری در رشته مدیریت، تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- خواجه نوری، ب. و ع. حاتمی** (۱۳۸۱) «بررسی عوامل مؤثر بر میزان اشتغال زنان جوان استان‌های غربی (مطالعه موردی: استان‌های کرمانشاه، ایلام، کردستان)» نشریه الکترونیکی جامعه‌شناسی ایران: <http://sociologyofiran.com>
- رادنیا، ح** (۱۳۷۸) «مدول‌های آموزشی و طراحی آن‌ها»، دومین همایش بررسی و تحلیل آموزش‌های علمی کاربردی.
- زمانی، غ** (۱۳۸۰) برآورد نیروی متخصص مورد نیاز و آسیب‌شناسی اشتغال فارغ‌التحصیلان بخش کشاورزی. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- زمانی، غ** (۱۳۸۴) «بررسی وضعیت اشتغال و نیازهای آموزشی دانش‌آموختگان دختر رشته‌های کشاورزی استان فارس» فصل‌نامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سال سوم، شماره نهم، صص ۶۸-۴۷.
- زمانی‌پور، ا.** (۱۳۸۵) «معضل بیکاری فارغ‌التحصیلان رشته‌های کشاورزی و واکاوی ریشه‌های آن»، مجموعه مقالات همایش آموزش کشاورزی کشور، تهران: نشر آموزش کشاورزی.
- سلیمی، ح.** (۱۳۸۳) «تأثیر آموزش‌های رسمی کشاورزی در اشتغال و کارایی فارغ‌التحصیلان کشاورزی شاغل در تعاونی‌های کشاورزی شهرستان کرج»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد ترویج و آموزش کشاورزی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- صارمی، س** (۱۳۸۵) «بیکاری چالش دهه ۸۰»، مجله بازار کار، سال ششم، شماره ۲۶۴.
- صالحی عمران، ا.** (۱۳۸۵) «وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان زن (مطالعه موردی)»، فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۳۹.
- طایی، ح.** (۱۳۸۲) نیازسنجی نیروی انسانی متخصص، سیاست‌گذاری توسعه منابع انسانی کشور (تلفیق نهایی)، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- عزیزی، ب.** (۱۳۸۴) «بررسی عوامل مؤثر در توسعه روحیه و مهارت‌های کارآفرینی در میان دانشجویان دانشکده کشاورزی کرج» پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی، تهران: دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.
- فراستخواه، مقصود** (۱۳۸۳) «زنان، آموزش عالی و بازار کار»، فصل‌نامه‌ی پژوهش زنان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، دوره ۲، شماره ۱، شماره پیاپی ۸، صص ۱۶۳-۱۴۷.
- فروزانی، م. و غ. زمانی** (۱۳۸۵) «بررسی وضعیت اشتغال با رویکرد زمانی برای دانش‌آموختگان دختر رشته‌های کشاورزی: مطالعه موردی استان فارس»، مجموعه مقالات همایش آموزش کشاورزی کشور، تهران: نشر آموزش کشاورزی.
- ماهر، ف. و غ. یآوری** (۱۳۸۱) «راه‌کارهای ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی»، سلسله نشست‌های علمی اشتغال، تهران: سازمان همیاری اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها.
- مدنی‌پور، ن.** (۱۳۸۵) «نگاهی به اشتغال زنان، عوامل مؤثر، موانع و دیدگاه‌ها»، ماه‌نامه پیام زن، شماره ۵، پیاپی ۱۷۳، مرداد ۱۳۸۵، ص ۵۲.
- میناوند چال، ص.** (۱۳۸۳) «عوامل مؤثر بر اشتغال زنان دارای تحصیلات عالی (مراجعه کنندگان به مراکز خدمات اشتغال شهر تهران)»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

۲۲۰ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹

نوروزی، ل. و ز. علمی (۱۳۸۱) «بررسی روند اشتغال و بیکاری فارغ‌التحصیلان نظام آموزش عالی با نگاه ویژه به زنان»، مجموعه مقالات همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت مدرس.

Cartmell, D. & B. Gatton (2004) An assessment of agricultural education graduates, preparation for careers in teaching and industry. Proceedings of the 27th Annual National Agricultural Education Research Conference. Available at: <http://aaaeonline.ifas.ufl.edu/NAERC/2000/web/J4.pdf>

Dolado, J. J., Felgueroso, F. & Jimeno, J. F. (2000) Female Employment and Occupational Changes in the 1990s: How is the EU Performing Relative to the US Available at: <http://www.fedea.es/pub/Papers/2000/dt2000-18.pdf>

Elder, R. & R. W. Druy (2001) Entrepreneurship education in the Virginia.

Henry, C., Hill, F. & Leitch, C. (2003) Entrepreneurship Education and Training. London, Ashgate Publishing Limited.

Hisrich, R. & Peters, M (2005) Entrepreneurship. New York: Mc Grow Hill.

Judge, T., Cable, D., Boudreau, J., & R. Bretz (1995) An Empirical investigation of the predictors of executive career success, *Personal Psychology*, 48.

Lamelas, N. (2004) The Evolution of Structural Female Employment and Higher Education in Venezuela, 1975-2000. *Regional and Sectoral Economic Studies* (AEEADE). Vol.4-2. Pp: 73-84.

Rosti, L. & Chelli, F (2007) Self-employment among Italian female graduates. Available at: <http://economia.unipv.it/docs/dipeco/quad/ps/q188.pdf>

Varma, P (2000) Technical and Vocational Education and Development. *Development Express*, No. 4.